

## یادداشت

### صندوق بانزنشستگی؛ پاشنه آشیل بودجه

وحید شقاقی شهری اقتصاددان طی ۵۰ سال گذشته، کسری بودجه همیشه به دلایلی با اقتصاد ایران همراه بوده. دهه ۵۰ وارد یک اقتصاد رانتی-نفتی شدیم که دولت در اقتصاد رانتی- نفتی به اصلاحات ساختاری در نظام اداری و نظام بودجه‌ریزی توجه نکرد و هزینه‌های خودش را عمدتاً مبتنی بر درآمدهای عادت اولیه اشتباهی در کشور شکل گرفت و بعدها دامه پیدا کرد و به تدریج ساختارهای معیوب گسترده‌تر شد. همه جای دنیا، بودجه دولت را براساس درآمدهای مطمئن مالیاتی تنظیم می‌کنند و ساختارهای اقتصاد هم مبتنی بر مالیات تنظیم شده و نظام اداری هم چون باید برمبنای مالیات اداره می‌شد به سمت شفافیت، چابک بودن و پاسخگو بودن دولت باشد، شفافیت عملکردی مالیاتی تنظیم می‌کنند و ساختارهای اقتصاد هم مبتنی بر مالیات تنظیم شده و نظام اداری هم چون باید برمبنای مالیات اداره می‌شد به سمت شفافیت، چابک بودن و پاسخگو بودن دولت باشد، شفافیت عملکردی مالیات، پاسخگو و بهره‌ور باشد، شفافیت عملکردی داشته باشد، هزینه‌کرد مالیات مشخص باشد و فساد و حیفومیل منابع هم در آن سیستم بسیار اندک است. در این ساختار، احزاب نظارت می‌کنند. در کل ساختار کشورهای پیشرفته، اداره دولت با مالیات با تکیه بر حداکثر شفافیت بسته می‌شود. دامه در همین صفحه

از دهه ۵۰، درآمدهای نفتی افزایش سرسام‌آوری پیدا کرد و دولت‌ها به حوزه مالیات و اصلاح ساختارهای اداری و همچنین به دلیل درآمدهای نفتی، به هزینه‌کرد منظم و بابرنامه‌یی توجهی کردند. دولت خیالش از درآمد ثابت راحت بود. در ادامه این نظام اداری، گسترش یافت و شفافیت خود را از دست داد و نظام بودجه‌ریزی هم بر پایه بودجه‌ریزی برنامه‌ای و عملکردی شکل نگرفت و یک بودجه‌ریزی سنتی مبتنی بر چانه‌زنی و افزایش ایجاد شد. در ساختار بودجه‌ریزی سنتی، بحث حیفومیل منابع خیلی زیاد است و بسیاری ساختارهای غیرضرور و هزینه‌زا ایجاد شدند و گسترش پیدا کرد. زمانی که در حوزه رفعت به مشکل برخورد می‌کنیم، این ناترازی بیشتر خود را نشان می‌دهد که این ریشه تاریخی ما بوده و در اکثر سال‌ها هم کسری تراز عملیاتی بوده که با نفت آن را پوشش دادیم؛ ولی در سال‌های اخیر چون درآمدهای نفتی کاهش یافته و به دلیل تورم‌های بالا، هزینه‌ها نیز رشد زیادی داشت، کسری بودجه بیشتر خود را نشان داد و دولت‌ها مجبور شدند که به سراغ روش‌های دیگر کسب درآمد مثل انتشار اوراق و فروش اموال بروند تا بتوانند به نحوی خود را اداره کنند.

۱- کسری بودجه، یکی از بزرگ‌ترین معضلات اقتصاد ایران است و خیلی دربرامش هشدار دادند که اگر برطرف نشود به یک مسئله امنیتی تبدیل می‌شود. در سال ۹۹ آقای مصباحی مقدم گفتند برای تأمین کسری بودجه می‌شود دولت برای مدتی دارایی سپرده‌گذاران بانک‌ها را محدود کند و آن را صرف کسری بودجه و طرح‌های عمرانی بکنند.

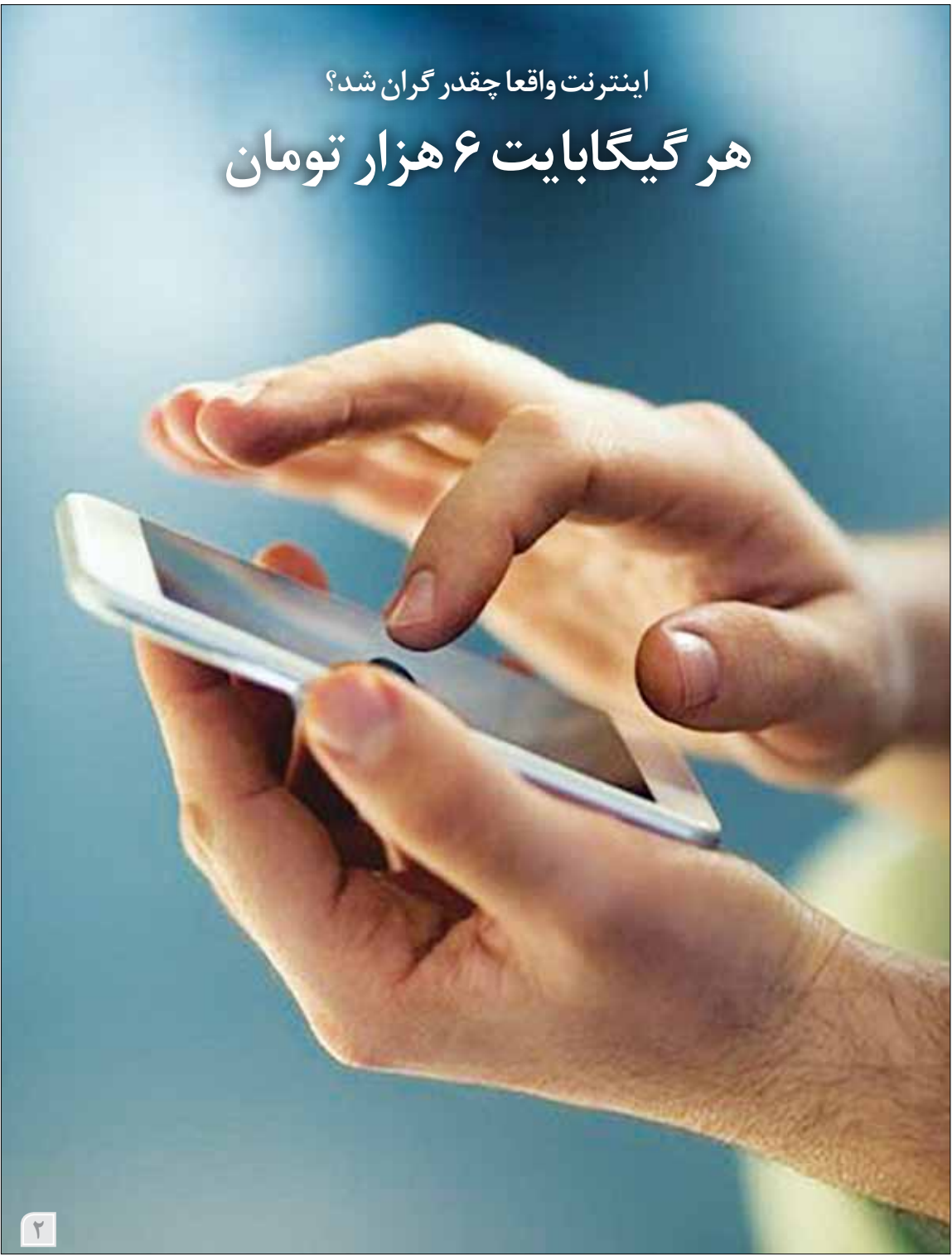
۲- در همه جای دنیا و بیش از ۸۰ درصد بودجه دولت‌ها با مالیات بسته می‌شود، اما مسیر بودجه‌ریزی براساس مالیات یک جاده دوطرفه است. وقتی دولت بر سر کار می‌آید می‌گوید برای اداره خود و ارائه خدمات به منابع مالی نیاز دارم و باید از مردم و شرکت‌ها مالیات بگیرم و مردم و شرکت‌ها نیز مالیات می‌دهند و متناسب با آن دولت بایستی مصرف این مالیات را ریز به ریز گزارش کند و تعهد دهد که شفاف باشد و با بهره‌وری و کمترین فساد اداره شود. مردم هم انتظار دارند وقتی

# فرصت امروز

برای کسب وکار آفرینی

اینترنت واقعا چقدر گران شد؟

## هر گیگابایت ۶ هزار تومان



### صندوق بانزنشستگی؛ پاشنه آشیل بودجه

مالیات می‌دهند یک دولت بهره‌ور، شفاف، پاسخگو و با کمترین فساد وجود داشته باشد و این همان یک جاده دوطرفه است؛ یعنی وقتی شرکت‌ها و مردم مالیات می‌دهند متناسب با این مالیات دولت هم بایستی خدمات ارائه دهد؛ ولی ایراد کار در این است که وقتی در یک ساختار اداری صحبت می‌کنیم که بهره‌وری‌اش منفی یا پایین است، حیفومیل منابع زیاد است، هزینه‌های غیرضرور و ساختارهای غیرضرور زیادی دارد و کیفیت خدماتش هم پایین است، افزایش مالیات یک جاده یک طرفه است. در دنیا مسیر را مشخص کردند و گفتند اداره دولت و خدمات‌دهی به مردم باید بر پایه درآمدهای مالیاتی باشد و متناسب با این دولت ساختارهای باکیفیت، شفاف و با کمترین میزان فساد باشد و متناسب با این درآمدهای مالیاتی، خدمات هم دارد. اگر بگوییم وقتی کم آوریم به سراغ افزایش مالیات برویم، جاده یک‌طرفه است.

۳-در دنیا حل مسائل دوطرفه است و وقتی دولت مالیات را بالا می‌برد باید از طرف مقابل هم شرایط پاسخگویی، شفافیت، خدمات ویژه و مصرف دقیق با جزییات صورت بگیرد و از هزینه‌های غیرضرور جلوگیری شود. نمی‌شود مالیات بگیرند و بهره‌وری نداشته باشند. مالیات می‌دهند که دولت متناسب با آن خدمات ارائه دهد و وقتی مالیات بدهند و حیفومیل شود یا در ساختارهای غیرضرور هزینه شود، مالیات نمی‌دهند. اداره دولت با مالیات قفلانی است، اما به شرطی که این جاده و مسیر دوطرفه تعریف شود؛ یعنی منافع دوطرفه تعریف شود که مردم از پرداخت مالیات راضی باشند و دولت هم با مالیات اداره شود.

۴- در حلال حاضر، برآورد از کسری بودجه ۳۰۰ تا ۷۰۰ هزار میلیارد تومان گفته می‌شود و این عددی است که برای چهار ماه آینده دادند. باید حدود ۴۰۰ الی ۵۰۰ همت کسری را برای بودجه ۱۴۰۲ در نظر گرفت. این کسری هر سال به دلایل مختلف اضافه می‌شود و از یک طرف در حوزه صندوق‌های بانزنشستگی به مشکل برخوردیم که این صندوق‌های بانزنشستگی مدام به کسری بودجه دولت، آن هم با شسب نمایی

اضافه می‌کند و از طرف دیگر، بودجه‌ریزی برنامه‌ای نداریم و به همین دلیل، اتلاف منابع خیلی زیاد است و چون بودجه‌ریزی برنامه‌ای نیست، بهره‌وری پایین است. اگر دولت بخواهد کاری بکند، مسیرش روشن است و باید ساختار بودجه را اصلاح کند. دولت در برنامه هفتم دیده که ساختار بودجه برنامه‌ای باشد، ولی برای سال بعد همچنان بودجه‌ریزی را با همان منوال بودجه‌ریزی سنتی تنظیم کردند.

۵- دولت به ناچار سهم مالیات را در بودجه سال آینده بیشتر گرفته است. ایراد ندارد که به سمت افزایش سهم مالیات در بودجه عمومی برود و برای سال آینده این نسبت را ۵۱ درصد دیده که نسبت به سال ۱۴۰۲، افزایش خوبی داشته است. بستن بودجه بر پایه مالیات خوب است. سهم نفت را ۲۳ درصد دیده و قیمت نفت را ۶۵ پیورو و صادراتش را نیز یک میلیون و ۳۰۰ هزار بشکه در روز دیده است. بودجه‌ای که دولت دیده، به لحاظ ساختاری ایراد ندارد، اما قرار بود این بودجه برنامه‌محور شود تا جلوی اتلاف منابع، بهره‌وری پایین و حیفومیل منابع گرفته شود که این اتفاق نیفتاده است. آنچه مشخص است اینکه کلی ساختار غیرضرور در دولت و دستگاه‌هایی داریم که مأموریت‌های موازی انجام می‌دهند. اداره دولت با این ساختارهای غیرضرور یا با مأموریت‌های موازی و بهره‌وری پایین، کار سختی است و وقتی هزینه‌اش از کانال مالیات به مردم تحمیل می‌شود، نارضایتی ایجاد می‌کند. اگر دولت برای سال‌های آتی می‌خواهد سهم مالیات را بالا ببرد باید اصلاحاتی در ساختار بودجه و اداره دولت ایجاد کند؛ یعنی حذف بسیاری از ساختارهای غیرضرور که در سیاست‌های کلی نظام هم هست، حرکت به سمت بودجه‌ریزی برنامه‌محور که در برنامه هفتم هم هست و افزایش بهره‌وری نظام اداری؛ نمی‌شود مالیات بگیرند و بخش عمده‌ای از آن به سبب عدم بهره‌وری، سوخت شود و از بین برود.

۶- اگر توانیم ساختار صندوق‌های بانزنشستگی را اصلاح کنیم، در پنج سال آینده کسری بودجه تحمیلی از سوی صندوق‌های بانزنشستگی، اعداد بسیار بالایی خواهد بود و حتی برآورد‌ها می‌گوید تا سال ۱۴۱۰ اگر

### دینامیسم رشد فزاینده کسری بودجه و نقدینگی

مهم‌تر از آن، عدم تبدیل نقدینگی جاری در اقتصاد به ظرفیت‌های تولیدی مولد کنترل‌کننده کسری بودجه (و فشارهای تورمی) و کنترل‌کننده کسری در حساب جاری (و فشارهای ارزی) می‌شود. دستگاه‌های سازمانی در عرض هم با ارتزاق از بودجه، بار سنگینی بر دوش اقتصاد می‌گذارند. کوچک‌سازی دولت بدون توجه به این مسئله، هم به معنای ناتوانی دولت در کنترل نقدینگی است و هم به معنای زدن از هزینه‌های اجتماعی با سهم اندک در بودجه. مسئله مهم دیگر، ساخت یا توزیع نقدینگی است. نحوه توزیع نقدینگی جاری در اقتصاد میان اقشار و طبقات اجتماعی و میان رشته فعالیت‌های اقتصادی، تأثیر مهمی بر اثر گذاری نقدینگی بر تورم دارد. به بیانی دیگر، از این منظر نیز نقدینگی نه علت اصلی، بلکه سازوکار تشدیدکننده تورم می‌تواند باشد. علت اصلی، ناموزون بودن ترکیب فعالیت‌های بخشی و نابرابری بیش از اندازه در توزیع ثروت است. واقعیت این است که بخش‌های تولیدی صنعت و کشاورزی به علت نامساعدبودن شرایط زیرساختی (و در نتیجه وجود ریسک بالا، طولانی‌بودن

ساختار صندوق‌های بانزنشستگی اصلاح نشود، بیش از ۵۰ درصد بودجه دولت باید صرف ناترازی صندوق‌های بانزنشستگی شود که یک مسئله بسیار وحشتناک است. افزایش سن بانزنشستگی، راهکار نیست و به تعویق انداختن مشکل است. اگر به تصمیمات سخت و اصلاحات ساختاری در حوزه بودجه‌ریزی دست نزنیم، تقریباً طی پنج سال آینده دولت به یک صندوق دریافت و پرداختی که هیچ وظیفه توسعه‌ای، عمرانی و حمایتی را نمی‌تواند انجام دهد، تبدیل می‌شود؛ یعنی فقط مجبور می‌شود حقوق و دستمزد را به زحمت پرداخت کند یا به انتشار بی‌رویه اوراق و فروش اموال دست بزند. مدتی است که انتشار اوراق و فروش اموال آغاز شده که این می‌تواند به تدریج بدهی داخلی کشور را بالا ببرد و اگر از حدی بالاتر برود، امکان بدهی داخلی هم مقدور نمی‌شود و ناچار می‌شود به استقراض خارجی دست بزند که می‌تواند تورم‌های بسیار بالایی در کشور تحمیل کند. چندین سال است که ساختار معیوب است و دیگر نمی‌توانیم بیش از این صبر کنیم، چون ناترازی مدام تشدید می‌شود؛ مخصوصاً ناترازی که از طریق صندوق‌های بانزنشستگی بیشتر و بیشتر می‌شود و از یک طرف هم درآمدهای نفت ما، اقت قابل توجهی کرده و منکشت است در سال‌های آتی امکان صادرات نفت وجود نداشته باشد. شرایط اداره دولت براساس روند گذشته مقدور نیست و زمانی کج‌دار و مریز می‌توانستیم پیش برویم، ولی الان شرایط صندوق‌های بانزنشستگی بحرانی شده، فرسودگی زیرساخت‌های کشور به شرایط بحرانی رسیده، درآمدهای نفتی افت کرده و هزینه‌های دولت خیلی سرسام‌آور شده و لذا اداره دولت کار سختی شده و دولت هم می‌خواهد به سمت مالیات برود، اما مالیات یک جاده دوطرفه است. طی ۱۲ سال گذشته اندازه اقتصاد ایران در حدود کوچک‌تر شده است؛ یعنی یک اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۰ برابر با ۶۴۰ میلیارد دلار بوده و الان ۲۸۰ میلیارد دلار شده و وقتی یکیک اقتصاد ایران کوچک شود، سهم مالیات هم بسیار کم می‌شود و از فقر و زبانه بودن شرکت‌ها مالیات نمی‌گیرند، چون اندازه اقتصاد کوچک شده، امکان افزایش مالیات از این

آیا پیش‌بینی‌ها باز هم اشتباه از آب در می‌آیند؟

## مسیر اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴

اقتصاددانان و کارشناسان حوزه‌های مختلف اقتصادی معتقدند که سرنوشت نرخ بهره در آمریکا، قیمت طلای سیاه و سرانجام اقتصاد چین، تعیین‌کننده سرنوشت اقتصاد جهانی در سال ۲۰۲۴ خواهند بود. اقتصاد جهانی در ابتدای سال ۲۰۲۳ بیش از آنچه بسیاری از تحلیلگران پیش‌بینی می‌کردند،

از خود انعطاف‌پذیری نشان داد. به‌ویژه نرخ تورم جهانی بدون افزایش سطح بیکاری تا حد...

۴ تفکر و ۵ اقدام استراتژیکی که کسب‌وکارهای خانوادگی را بیمه می‌کند

# رمز ماندگاری بنگاه‌های خانوادگی

فرصت امروز: بین ۷۰ تا ۹۰ درصد کسب‌وکارها در ایران خانوادگی هستند. کار آفرینی، موتور محرک توسعه و پیشرفت اقتصادی و از جمله راه‌های موثر برای کاهش بیکاری و اصلاح اجتماعی است. کسب و کارهای خانوادگی، ماهیت کار آفرینی دارند و رهبران کسب و کارهای خانوادگی به عنوان یک کار آفرین شناخته‌شده و تولید ثروت، توسعه تکنولوژی و اشتغال مولد را به ارمان می‌آورند بنابراین از نظر استراتژیک، کسب و کارهای خانوادگی، عنصر کلیدی در رشد و توسعه اقتصادی کشورها بوده و تداوم عملکرد موفق آنها، تأثیر مثبتی بر رشد اقتصادی، بهبود عملکرد تجاری، برنامه استراتژیک بلندمدت و استقلال کسب و کار دارد. این تحول در صورتی امکان‌پذیر است که این شرکت‌ها از منظر تأمین منابع انسانی، سرمایه اجتماعی و منابع مالی حمایت شوند.

کسب‌وکارهای خانوادگی، رایج‌ترین نوع شرکت‌ها در جهان هستند. دامنه فعالیت کسب‌وکارهای خانوادگی، شرکت‌های کوچک و متوسط تا شرکت‌های بزرگ را که در چند صنعت و کشور کار می‌کنند (مانند شرکت فورد موتور و مک‌دونالد) دربر گرفته و حدود ۶۰ تا ۹۰ درصد کل شرکت‌های جهان را تشکیل می‌دهد. مثلاً بین ۶۵ تا ۸۰ درصد از کل شرکت‌های اروپایی، ۸۵ درصد شرکت‌های چین، ۹۰ درصد کسب‌وکارها در آلمان و حدود ۹۵ درصد کسب‌وکارها در آمریکا، خانوادگی هستند. اگرچه بسیاری از آنها در بین شرکت‌های کوچک و متوسط جای...

ارزش بیت‌کوین چگونه در یک سال ۱۵۰ درصد افزایش یافت؟

## صدرنشینی کریپتو در پایان ۲۰۲۳

**مدیریت و کسب‌وکار**

**داستان برندینگ تیم‌های ورزشی محبوب دنیا**

دنیا‌ی ورزش پر از اتفاقات هیجان‌انگیزی است که حتی بعد از چند دهه هنوز هم در ذهن طرفداران حک شده است. مثلاً گل سرنوشت‌ساز قهرمانی اسپانیا در جام جهانی ۲۰۱۰ را در نظر بگیرید؛ بی‌شک همه طرفدارهای فوتبال تا آخر عمر آن لحظه شگفت‌انگیز را به یاد خواهند آورد. شاید مردم عادی برای سلامتی با تناسب اندام ورزش کنند، اما وقتی ماجرا به عرصه حرفه‌ای کشیده می‌شود، دیگر فقط سلامتی در میان نیست. این روزها دنیا‌ی ورزش یکی از صنعت‌های پولساز محسوب می‌شود که میلیون‌ها نفر در سراسر دنیا از آن کسب درآمد می‌کنند. در این میان تیم‌های ورزشی موقعیت ویژه‌ای دارند. شاید بازیکنان بزرگ دنیا بعد از مدتی فراموش شوند، اما تیم‌هایی مثل رئال مادرید یا گلدن استیت برای همیشه در یاد و خاطره مردم باقی خواهند ماند. این امر نه تنها مربوط به شهرت بالای این تیم‌ها، بلکه شیوه برندسازی منحصر به فردشان است...

عدد به بالا وجود ندارد و مثل این است که یک کیک کوچک دارید که برای پنج مهمان کفایت می‌کند و اگر مهمانان ۳۰ نفر شوند، مشکل است و دو کار باید کرد؛ یا باید مهمانان را زیاد نکنید یا بایستی کیک‌تان را بزرگ کنید. اقتصاد ایران ۴۰ درصد کوچک‌تر شده و در نتیجه سهم مالیات کمتر شده است. در دنیا مالیات را از سودآوری شرکت‌ها می‌گیرند و وقتی شرکت‌ها و تولید اقتصاد ایران کوچک‌تر شده و سودآوری شرکت‌ها پایین آمده نمی‌توان مالیات را بالا برد. اینها ابهاماتی است که در حرکت دولت به سمت درآمدهای مالیاتی باید لحاظ شود، در غیر این صورت، فشار سنگینی به مردم وارد می‌شود و توان مردم از بین می‌رود و به ویژه دهک متوسط له می‌شود. از یک طرف، مالیات پنهانی به نام تورم داریم که این هم زندگی مردم را بسیار سخت کرده و طی شش سال گذشته ۴۰ درصد میانگین تورم (مالیات پنهان) به مردم تحمیل می‌شود؛ یعنی از یک طرف ۴۰ درصد تورم به نام مالیات پنهان تحمیل می‌شود و از طرف دیگر هم نرخ‌ها و پایه‌های مالیات بیشتر می‌شود و دهک متوسط جامعه بین دو چرخ تورم و مالیات گرفتار می‌شود و شرایط خیلی سخت می‌شود. همچنین شرکت‌ها به دلیل تحریم‌ها و مشکلات اقتصادی کوچک و کوچک‌تر شدند و دولت هم گران اداره می‌شود و علاوه بر این، صندوق‌های بانزنشستگی وپال گردن دولت شدند و لذا کار اداره کشور و دولت بسیار سخت شده و بایستی اصلاحات اساسی هم در اداره اقتصاد ایران و هم در اداره دولت صورت بگیرد. اصلاحات اقتصادی و اصلاحات بودجه‌ریزی، مشکلات و هزینه‌ی سنگینی دارد که یک بخش آن به سرمایه اجتماعی دولت‌ها برمی‌گردد. به هر حال، آنچه مشخص است، اینکه اصلاحات اقتصادی به تعویق افتاده؛ از طرف دیگر، اصلاحات، سرمایه اجتماعی لازم دارد و از طرف دیگر، شایسته‌سالاری و تیم مدیریتی قوی برای اصلاحات لازم است. از یکسو تحریم‌ها فشار آورده و از دیگرسو هزینه جراحی‌هایی که باید صورت بگیرد، خیلی گران است. اقتصاد ایران به جراحی نیاز دارد و پیش‌شرط این جراحی، این است که مردم به جراح اعتماد کنند.

می‌یابد. در چنین شرایطی، نابرابری بیش از اندازه در توزیع ثروت و درآمد نیز موجب تشدید وضع مذکور می‌شود. اقتلار و گروه‌های با درآمدهای بالا برای حفظ ارزش دارایی پولی خود، با تمایل به خرید مستغلات دارند، یا به خرید دارایی‌های مالی نقدپذیر ارز و طلا روی می‌آورند. تأثیر متفاوت میزان یکسانی از نقدینگی بر تورم و افزایش نرخ ارز را با تمثیلی به پایان می‌رسانیم. نقدینگی به مانند آب روانی است که در زمینی جاری می‌شود. اگر زمین، خاک خوب با نهال‌ها یا بذر خوب داشته باشد، حاصل جاری شدن آب در آن، میوه‌های شیرین با محصولات باکیفیت خواهد بود. اما اگر خاک خوب نباشد و به جای نهال‌ها و بذر خوب، علف هرز، بخشی از زمین را گرفته باشد، قطعاً محصول به بار نخواهد آمد یا اگر هم بار بیابد، کمیت و کیفیت ضعیفی خواهد داشت، حتی اگر میزان ورودی آب خیلی دقیق مدیریت شود. حکایت تودرتویی نهادی مانند زمینی با نهال‌های ضعیف و بدون ثمر بیش از اندازه و سایه انداخته روی هم است.

علی دینی‌ترکمان، کارشناس اقتصادی

واقعیت امر این است که دولت در اقتصاد ایران به علت آنچه این قلم «تودرتویی نهادهی» نامیده، بسیار بزرگ است. این دولت با چنین وجه مشخصه‌ای را نباید با دولت بزرگ رفاه کینزی و سوسیال‌دموکراتیک از نوع کشورهای اسکاندينايوی یکی گرفت. در چنین دولت‌هایی، به رغم بزرگ بودن دولت در چارچوب تعاریف جاری در متون اقتصادی، مشکل تودرتویی نهادهی وجود ندارد. در نتیجه، موازی‌کاری کنترل می‌شود؛ پاسخ‌گویی و مسئولیت‌پذیری بالاست؛ دور زدن قوانین و مقررات و درگیر شدن در فساد حداقل است، اما در دولتی که درگیر پدیده تودرتویی نهادهی است، این ویژگی‌ها وجود ندارد. بنابراین عملکرد اقتصادی ضعیف و فشارهای فزاینده تورمی و ارزی نیز قوی است. در چنین شرایطی، تلاش برای کوچک کردن دولت، بدون رفع مشکل اساسی تودرتویی نهادهی موجب کاهش بیش از اندازه هزینه‌های رفاهی و اجتماعی دولت













